

فصلنامه علمی (مقاله علمی-پژوهشی) جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال سوم، شماره چهارم (پیاپی ۱۲) زمستان ۱۳۹۹، صص ۳۵۲۸-۳۵۱۱

چالش‌های مجازات‌های جایگزین حبس در سیاست جنایی ایران در ابعاد تقنینی، قضایی و اجرایی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۲

رضا دلفانی^۱

مسعود قاسمی^۲

یزدان نصرتی^۳

چکیده

مجازات حبس، خط مقدم سیاست جنایی ایران برای مقابله با بزهکاری است و اعمال مجازات زندان با هدف جلوگیری از جرم و اصلاح مجرمان از سوی مراجع قانونی باعث تشدید بحران تورم در جمعیت کیفری شده است هدف از پژوهش حاضر چالش‌های مجازات‌های جایگزین حبس در سیاست جنایی ایران در ابعاد تقنینی، قضایی و اجرایی می باشد و روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است و یافته‌ها بیانگر این است که تجربه ناموفق بهره‌گیری از کیفر حبس و بروز آثار متعدد نامطلوب باعث شد رویکرد نوینی از سوی نظام عدالت کیفری به وجود آمده و استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس در دستور کار قرار گیرد و با تقلیل و تعدیل شرایط اعمال مجازات‌های جایگزین، الزام محاکم و قضات در اعمال مجازات جایگزین، تکثیر و تعدد مجازات‌های جایگزین و ایجاد فرهنگ پذیرش مجازات‌های جایگزین حبس در سیستم قضایی کشور، به اهداف این سیاست جنایی رسید. واژگان کلیدی: چالشها، مجازات، حبس، سیاست جنایی.

^۱ دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

^۲ استادیار گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. (نویسنده مسئول). md.ghasemi@iauksh.ac.ir

^۳ استادیار گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. nosratiyazdan@ut.ac.ir

بزه و بزهکاری محصول زندگی اجتماعی انسان است که از ابتدای تشکیل جوامع انسانی، گریبان گیر جوامع شده است. آن چه پیوسته ذهن سیاستگذاران جامعه را به خود مشغول ساخته، شیوه و نحوه مقابله با جرم است، در واقع دستیابی به راه حل و تدبیری مناسب که از توان بازدارندگی کافی برخوردار باشد و بتواند از بازگشت مجدد بزهکار به حوزه ارتکاب جرم ممانعت کند، از اهداف کلان هر نظام حقوقی شمرده میشود، تأکید بر «زندان» در سیاستگذاری مجازاتها، آثار و نتایج خاصی پدید آورده که مهمترین آن، تورم جمعیت کیفری و رشد جمعیت زندانیان است، بی تردید یکی از مهم ترین علل افزایش جمعیت کیفری زندان ها را باید در نوع سیاست جنایی، بینش و نظر حاکم بر عرصه های تقنینی، قضایی و اجرایی جستجو کرد. پیامدهای منفی مجازات زندان، تردید در نقش اصلاحی و بازپرورانه آن، تعارض با اصل شخصی بودن مجازاتها و تحمیل هزینههای هنگفت مالی و انسانی بر جامعه، ضرورت طرح اندیشه «حبس زدایی و کاهش جمعیت زندانها» را ایجاد کرده است، طرح «ساماندهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندان» مبتنی بر همین اندیشه مشتمل بر ۳۳ ماده در تاریخ ۱۳۹۶/۹/۱ در مجلس شورای اسلامی اعلام وصول شده است.

کاهش جمعیت کیفری زندانها به عنوان یکی از سیاستهای کلان طی یک دهه اخیر همواره مورد تأکید بوده است و بر همین اساس نیز اقدامات و سازوکارهای تقنینی قابل توجهی در قوانین مربوطه از جمله قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) و قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) صورت گرفته است. از طرفی قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مشتمل بر پانزده ماده در تاریخ ۱۳۹۹/۲/۲۳ توسط مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در تاریخ ۱۳۹۹/۳/۷ به تأیید شورای نگهبان رسید. این قانون در تاریخ ۱۳۹۹/۳/۲۶ در روزنامه رسمی به شماره ۲۱۹۱۶ منتشر شد و از تاریخ ۱۳۹۹/۴/۱۱ لازم الاجرا است. این قانون هم از جهت قواعد آیین دادرسی کیفری و هم از جهت حقوق جزای عمومی و همچنین از جنبه حقوق جزای اختصاصی حاوی مقررات جدیدی است. علیرغم تصویب قانون مجازات اسلامی و اصلاحات آن به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری و تحول در مقررات مجازات های جایگزین حبس این انتظار می رفت که از جمعیت کیفری زندان های کشور کاسته شود اما علیرغم تلاش های صورت گرفته کماکان تورم جمعیت زندان وجود دارد همین موضوع دغدغهای برای نگارنده ایجاد نمود که آیا اصولاً قضات از مجازات های جایگزین حبس استفاده می نمایند یا خیر؟ و در صورت مثبت بودن پاسخ از چه مجازاتهایی به جای حبس استفاده می گردد؟

۲- بیان مسأله

سیاست جنایی در معنای وسیع آن؛ یعنی مجموعه روشهایی که هیئت اجتماع (دولت و جامعه) با توسل به بدیهی است که حقوق کیفری آنها پاسخ های خود را به پدیده مجرمانه سازمان میبخشد (میری دلماس، ۱۳۸۱) مجازات حبس، در خط مقدم سیاست جنایی ایران برای مقابله با بزهکاری قرار دارد. تجربه ناموفق بهره گیری از کیفر حبس به عنوان اصلی ترین واکنش کیفری و بروز آثار متعدد نامطلوب، از جمله شکست برنامه های اصلاح و درمان، جرم زا بودن محیط زندان، تحمیل هزینه های سرسام

آور به بودجه عمومی کشور و خصوصاً ازدحام در جمعیت کیفری زندانها، به مثابه یک بحران، فرا روی اکثر نظامهای کیفری دنیا قرار گرفته است. مجازاتی که ظهورش نویدبخش مجازاتی انسانی و اثربخش بود؛ اما بعدها با گذشت زمان، هر دوی این ادعاها به چالش گرفته شد؛ یعنی هم انسانی بودن آن و هم اثربخش بودن آن. (احمدزاده، تام، ۱۳۹۹، ۱۵) امروزه ازدحام جمعیت زندانها مشکلات جدی در کلیه جوامع ایجاد کرده به گونهای که به انحاء مختلف دستاوردهای تأدیبی، اصلاحی و تربیتی را مخدوش کرده و در بسیاری از کشورهای جهان؛ جمعیت بالای زندانی و ازدحام ناشی از آن جز تحمیل هزینههای گزاف، اختلال در نظم عمومی زندان، درگیری، شورش، اعتصاب و ثمرهای نداشته و متولیان امر را بر آن داشته که به اقداماتی دست بزنند تا جمعیت زندانها کاهش یابد؛ تعیین مجازات زندان در قالب این ذهنیت که در مقابل هر شکلی از رفتار مجرمانه، آن هم به شکل سلیقه‌های نه بر اساس منطق علمی و نه حتی بر اساس اوصاف شخصیتی افراد و آحاد جامعه، از یک سو موجب تورم جمعیت کیفری زندانها میشود و از سوی دیگر موجب بیسرپناهی و سرگردانی خانواده زندانیان و تحت الشعاع قرار دادن آثار و پیامدهای فردی و اجتماعی مجازات شده است. آسیبهای غیرقابل کتمان که از این مجازات ناشی میشود، اندیشمندان کیفری را به سوی بهبود اوضاع زندانها و اصلاح نظام زندانبانی سوق داد اما این روش نیز با آن که به ارتقای سطح زندگی در زندان منجر شد اما چاره کار نبود. در نهایت اندیشه زندان زدایی مطرح شد. بدین گونه که مجازات زندان محدود به جرایم سنگین و مجرمینی با حالت خطرناک شود و در جرایم سبک از اعمال آن خودداری شود و به جای آن مجازاتهای جایگزین حبس استفاده شود که هم آسیب های کمتری برجای میگذارد و هم هزینه اقتصادی کمتری تولید مینمایند. مجازاتهای جایگزین حبس مجموعه‌های از واکنشهای کیفری است که آن چنان که از لغت بر میآید میتوانند جایگزین مجازات حبس شوند. در برخی تعابیر مجازاتهای جایگزینهای حبس با مجازاتهای اجتماعی به نحو مترادف و به جای یکدیگر استعمال شده‌اند؛ اما با این وجود، این کاربرد را نمیتوان حاکی از انطباق کامل این دو عبارت دانست؛ زیرا، مجازات اجتماعی واکنش رنج آوری است که در قبال جرم و به موجب قانون، نسبت به مجرم اعمال میگردد و مستلزم محدودیت آزادی و نظارت است و صرفاً شامل واکنشهای محدود کننده آزادی میشود؛ اما مجازاتهای جایگزین حبس، علاوه بر آن شامل مجازاتهایی که مستلزم نظارت و محدودیت آزادی نیستند نیز میگردد. روند روبه رشد جمعیت زندانها و افزایش هزینههای نظام زندانها و اثبات ناکارآمدی حبس و از همه مهمتر ظهور مجازاتهای جایگزین حبس در دیگر کشورها، پژوهشگران ایرانی را نیز به تدوین «لایحه قانون مجازاتهای اجتماعی» با هدف تراکم زدایی از جمعیت کیفری زندانها و کاهش هزینههای کیفری سالب آزادی سوق داد که در روند قانونی تصویب در سال ۱۳۹۲ این لایحه تحت عنوان مجازاتهای جایگزین حبس به قانون مجازات اسلامی الحاق گردید.

به رغم تنوع انواع مجازاتهای جایگزین حبس در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ این مجازاتها در اجرا در عقیم مانده است. چرایی این ناکارآمدی و مواجهه آن در چالشها، موانع اجرای مجازاتهای جایگزین حبس در روبه قضایی است. یکی از دلایل عمده عدم موفقیت مجازاتهای جایگزین حبس در اجرا به اعتقاد منفی قضات نسبت به بازدارندگی مجازاتهای جایگزین وابسته است و مجازاتهای جایگزین با ضعف جنبه تنبیهی مواجه است و یکی از نقاط ضعف این مجازاتها فقدان بازدارندگی لازم میباشد. (آشوری، ۱۳۹۸، ۳۹۸-۳۹۹). این در حالی است که هدف ارعابی با استقبال زیادی در میان قضات روبه رو است و از

منظر بسیاری از قضات مجازات جایگزین فاقد بازدارندگی لازم بوده و منافع جامعه و حفاظت از آن را تأمین نمیکنند. (یکرنگی، ایرانمش، ۱۳۸۷، ۱۰۰). (بررسیها، ملاحظات و انعکاس انتظارات عموم و همچنین خواص جامعه به دستگاه قضایی مبین این نکته است که «با اکثر مجرمان صرف نظر از نوع جرم با اعمال مجازات حبس برخورد قانونی به عمل آید. حتی در برخی موارد ضابطان قوه قضاییه از عملکرد قضات اعلام نارضایتی مینمایند و به دستگاه قضایی انتقاد دارند که ما مجرمین را دستگیر میکنیم و آنان آزاد میکنند، آدم بد ما هستیم و آدم خوب آنان هستند» (میرخلیلی، یعقوبی، ۱۳۹۶، ۱۰۳). این طرز تلقی سبب شده است تا «در عمل سیاست سخت گیری نسبت به جرم موجب تغییر مجازاتها و تشدید آنها شود؛ اصول تناسب، ثبات و قطعیت مجازاتها در عمل نفی کننده ملایمت و آزادی زود هنگام و تساهل و تسامح در برابر بزهکاران بوده و نتیجه آن به شکل اجرای قطعی مجازاتها و افزایش جمعیت زندانی نمود یافته است که برخی آن را تشدید مجازات انگاشتند» (داودی گرمارودی، ۱۳۸۶، ۹۴).

۳-پیشینه پژوهش

خاکسار و حبیبی (۱۳۹۷) پژوهشی در مورد سیاست جنایی قضایی ایران در رابطه با مجازات های جایگزین حبس انجام دادند و قانون گذار در پی احتراز از آسیب های حاصل از حبس و ساختار زندان، با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، نهادهای کیفری نوینی را پیش بینی نموده و فصلی را به مجازات های جایگزین حبس اختصاص داده است، اما این تغییرات در عرصه سیاست جنایی تقنینی به تنهایی کافی نبوده و برای حصول نتیجه، سیاست جنایی قضایی نیز باید خود را با نگاه جدید قانون گذار هماهنگ نماید. در این پژوهش تلاش شده است چگونگی اثرپذیری سیاست جنایی قضایی از سیاست جنایی تقنینی با تحلیل آرای به دست آمده روشن شده و پژوهشی کاربردی ارائه شود. یافته های حاصل از این تحقیق بیانگر آن هستند که در حال حاضر سیاست جنایی قضایی ایران در رابطه با مجازات های جایگزین حبس، فاصله معناداری از سیاست جنایی تقنینی دارد؛ تنها در ۶۵ درصد از تمام پرونده هایی که امکان دریافت جایگزین حبس را دارند، چنین واکنش هایی اعمال می شود. در بین آرای صادره نیز می توان به وفور نادیده انگاشتن برخی متغیرهای مهم همچون نوع جرم، سن، جنس، وضعیت شغلی و تاهل مرتکب را از سوی قضات مشاهده نمود، به نحوی که جزای نقدی به تنهایی حدود سه چهارم از آراء را به خود اختصاص داده است (۸۷ مورد از ۱۵۰ رای). این موارد را می توان حاصل عدم درک درست قضات نسبت به اهمیت، ضرورت و اهداف جایگزین های حبس، همچنین مشکلات اجرایی و کمبودهای سخت افزاری دانست.

لطفی و همکاران (۱۳۹۹) پژوهشی در مورد بررسی سیاست جنایی قضایی و اجرایی ایران در قبال مجازات جایگزین حبس انجام دادند و در راستای کاهش تورم جمعیت کیفری و آثار زیانبار حبس، سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران به سوی مجازات های جامعه مدار، متمایل گشت، که در نهایت منتهی به تدوین مجازات جایگزین در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ شد. اما آمارها بیانگر آنست که با وجود تصویب این قانون به دلیل وجود نارسایی های همچنان با تورم جمعیت کیفری مواجه ایم که اجرای این مجازات را با مشکل مواجه ساخته است هدف از این پژوهش بررسی سیاست جنایی ایران در قبال مجازات جایگزین حبس و چالش های قضایی اجرایی آن می باشد. این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی صورت گرفته است.

پارسا و موذن زادگان (۱۴۰۱) پژوهشی در مورد چالش‌های سیاست جنایی قضایی در کاربری مجازات خدمات عمومی رایگان انجام دادند و مجازات خدمات عمومی رایگان به‌عنوان جایگزین حبس به‌دلیل لزوم همکاری توأمان دستگاه قضا، نهادهای پذیرنده و خود مجرم در فرایند اجرای این حکم از بارزترین مصادیق مجازات‌های جامعه‌محور است. با توجه به چندوجهی بودن و ضرورت وجود بسترهای لازم جهت اثربخش بودن چنین نهادهایی، بررسی چالش‌های احتمالی کاربری مجازات‌های کیفری نوین یکی از موضوعات مهم مباحث کیفرشناختی است. در این ارتباط قضات به‌عنوان افرادی که به قوانین تجسم می‌بخشند و حلقه اتصال مقنن، دستگاه قضا، نهاد پذیرنده و مجرم هستند، کنشگران اصلی کاربری مجازات خدمات عمومی در نظر گرفته شدند. از این طریق ابتدا یک گروه تمرکزی با حضور ۱۲ نفر از قضات، تشکیل و دیدگاه و تجربیات این افراد گردآوری شد. در گام بعدی با استفاده از داده‌های حاصل از گروه تمرکزی محورهای پروتکل مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته تهیه شد و ۱۱ تن از مقامات قضایی دارای تجربه صدور و اجرای چنین احکامی به‌علاوه دو تن از قضات مطلع نسبت به موضوع مورد مصاحبه قرار گرفتند. داده‌های گردآوری‌شده بیان‌گر چالش‌های متعدد قضایی در این حوزه است که می‌توان آن‌ها را ذیل دو مقوله کلی «جاری بودن و استمرار معیارهای کیفرگزینی (حبس‌گرایی و آمارگرایی) متناقض با ماهیت مجازات‌های اجتماع‌محور (بازپروری و بازاجتماعی نمودن)» و «عدم توجه به زیرساخت‌های اجرایی مجازات‌های اجتماع‌محور» مطرح نمود. بر اساس تحلیل یافته‌های فوق می‌توان مدعی شد که وجود چنین چالش‌هایی تابعی از رویکرد نادرست سیاست‌گذاران کیفری در ارتباط با مجازات‌های اجتماع‌محور بوده است؛ به این معنی که قانون‌گذار صرفاً با هدف کاهش جمعیت کیفری زندان به سیاست‌گذاری درخصوص مجازات خدمات عمومی رایگان پرداخته است و بدین سبب از تحقق پیش‌شرط‌های اساسی این مجازات که همانا بازپروری/بازاجتماعی کردن محکومان است، فروگذار بوده است.

۴-مباحث نظری

۴-۱-چالش‌های تقنینی

یکی از چالش‌های اجرای مجازات‌های جایگزین حبس، شرایط و الزامات مندرج در ماده (۶۴) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بود که اعمال جایگزین حبس اولاً: به گذشت شاکی، ثانیاً وجود جهات تخفیف منوط گردیده است. بنابراین این دو ویژگی خود از چالش‌های اساسی و مانع مهم جهت اعمال جایگزین‌های حبس می‌باشد.

در این راستای دیوان عالی کشور در یک اقدام شگفت‌انگیز و قابل تأمل با حفظ اهداف عالی تدریس جایگزین‌های حبس و متناسب با فلسفه وجودی آن که اصلاح و درمان بزه‌کار و در عین حال حفظ حقوق بزه دیده بود. با توجه به مصلحت جامعه ضمن مرتفع نمودن موانع مذکور، مبادرت به صدور رأی وحدت رویه شماره ۶۴۸ نمود بدین مضمون: «در اعمال جایگزین‌ها به ویژه اطلاق مواد (۶۵) تا (۶۹) مذکور چنین مستفاد میگردد که تعیین و اعمال مجازات جایگزین حبس بشرح مندرج در مواد فوق الاشاره الزامی بوده و مقید به رعایت شرایط مقرر در ماده (۶۴) قانون مجازات اسلامی از قبیل گذشت شاکی یا وجود جهات تخفیف نمی‌باشد» اگر چه این رأی تأثیر زیادی در افزایش آمار اعمال مجازات‌های جایگزین حبس خواهد داشت اما به هر حال رأی

وحدت رویه مذکور در مقام تفسیر قانون مبادرت به نقض صریح قانون نموده است که خود جای تأمل دارد. (داجک، ۱۳۹۹، ۱۳۰)

گرایش قانونگذار بسمت یافته های نوین جرم شناسی و جامعه شناسی کیفری و کیفر شناسی زمانی ارزشمند و نیکو می باشد، که پیامدهای قضائی و اجرائی آن که در آراء دادگاه ها متجلی و متبلور می گردد حاکی از اعمال مجازاتهای جایگزین حبس با نگرش بر فلسفه وجودی آن یعنی اصلاح و درمان مجرمین، فردی کردن مجازاتها، پیشگیری از تکرار جرم و حبس زدایی باشد، که با کمال تاسف نتایج حاصله بیانگر این مهم می باشد که به لحاظ موانع و تحدیدات عدیده تقنینی و خلاءها و ابهامات موجود در قانون مجازات اسلامی ناظر بر مجازاتهای جایگزین های حبس و همچنین نارسا و ناکار آمد بودن آئین نامه اجرائی آن سبب گردیده که قضات هیچگونه رغبتی به اعمال جایگزین های نوین حبس از خود نشان نمی دهند و بعضاً محاکم حکم به اعمال جایگزین ها صادر می نمایند. اکثراً جایگزین های سنتی که محاکم حکم به اعمال جایگزین بوده که در درجه اول جزای نقدی و بعضاً صادر می نماید، و جایگاه جایگزین های نوین در آراء محاکم بسیار هم تعلیق اجرای مجازات کمرنگ و محجور می باشد وجود موانع و چالشها یا خلأ هنگام تصویب قانون از جمله عواملی است که ممکن است جایگزینهای حبس را در رسیدن به اهدافش هم چون کاهش جمعیت کیفری، با چالش مواجه سازد. چالشهای تقنینی به شرح ذیل می باشد:

۴-۲- چالش های تقنینی

۴-۲-۱- خروج جرایم امنیتی از گستره مجازاتهای جایگزینهای حبس

طبق ماده ۷۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، اعمال مجازات جایگزین حبس در مورد جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور ممنوع میباشد، این محدودیت میتواند در مورد برخی از مجرمین غیر ضروری تلقی گردد. زیرا برخی از مرتکبان جرایم امنیتی، افرادی هستند که مجرم خطرناک و حرفه ای نیستند و صرفاً بر اساس هیجانانگیز کاذب و تحت تأثیر تبلیغات رسانه های خارجی مورد اغفال قرار گرفتند، بدین ترتیب اطلاق کلی بر مرتکبان جرایم امنیتی (عمدی و غیرعمدی افراد) بسیار زیادی را از دایره ارفاق نهاد جایگزین حبس خارج می کند. در حالی که ممکن است مجازات جایگزین در مورد آنها سازنده و درمان کننده باشد. (لطفی، جوانمرد، ۱۳۹۹، ۱۸۰-۱۸۱)

۴-۲-۲- ممنوعیت اعمال جایگزین های حبس در بسیاری از جرایم

بموجب ماده ۷۱ قانون مجازات اسلامی، تعدد جرایم عمدی که مجازات قانونی حداقل یکی از آنها بیش از یک سال حبس باشد مانع از صدور حکم به مجازات جایگزین حبس است. تعدد مادی جرایم عمدی ناظر بر ماده ۲۹۴ قانون مجازات اسلامی باشد، که در صورت تحقق جرایم عمدی چنانچه مجازات قانونی حداقل یکی از آنها شش ماه حبس باشد سبب سلب حق اعمال جایگزین های حبس موضوع ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی خواهد شد.

به موجب مواد ۲۹۲ و ۲۹۴ و مفهوم مخالف ماده ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، اصطلاح «تعدد جرم» را می توان چنین تعریف نمود: «ارتکاب حداقل دو یا چند رفتار مجرمانه ی مستقل و مجزا از شخص بدون اینکه یک سابقه محکومیت قطعی حد فاصل میان جرایم وجود داشته باشد» بر این اساس، شرایط اعمال ماده ۷۱ مزبور عبارتند از: ۱- ارتکاب حداقل دو یا چند رفتار مجرمانه ی مستقل و مجزا، ۲- فقدان هرگونه سابقه محکومیت قطعی، ۳- حداقل دو فقره از جرایم ارتكابی عمدی باشند. اما ماده ۶۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، در ارتباط با تکرار جرایم عمدی مقرر می دارد: «مرتکبین جرایم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آنها نود و یک روز تا شش ماه حبس است به جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می گردند مگر این که به دلیل ارتکاب جرم عمدی به شرح زیر دارای سابقه محکومیت کیفری باشند و از اجرای آن پنج سال نگذشته باشد؛ علت ممنوعیت اعمال مجازاتهای جایگزین حبس در حالت تعدد و تکرار جرایم عمدی، آن است که ارتکاب جرایم عمدی از سوی شخص دلالت بر حالت خطرناکی وی می نماید. (حاجی تبار فیروزجانی، ۱۳۹۳، ۱۵۱) بموجب ماده ۷۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، اعمال جایگزین های حبس درخصوص جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور ممنوع است. باتوجه به ارزشی که ملل گوناگون همیشه برای حاکمیت خود قائل بوده اند و باتوجه به تلاش حکام در جهت حفظ قدرت و حاکمیت خود خطراتی که جرایم علیه امنیت می توانند برای حاکمیت و استقلال آنها ایجاد نمایند، از قدیم الایام مقررات سختی راجع به جرایم علیه امنیت وجود داشته است.

حال، قانونگذار با تعیین حداکثر مجازات قانونی یک سال برای جرایم عمدی حداکثر مجازات قانونی بیش از دو سال برای جرایم غیرعمدی، عناوین مجرمانهای مشمول مجازاتهای جایگزین حبس دانسته که علاوه بر اینکه شمار بسیار محدودی را دارا هستند، آن قدر خرد و ناچیز به نظر میرسند که احتمال ارتکاب یا به عبارت بهتر کشف چنین جرایمی بسیار کم است. شاید بتوان علت را در بالا بردن میانگین طول محکومیتهای حبس در ایران نسبت به سایر کشورهای غربی به جز ایالات متحده آمریکا دانست به طوری که محکومیت های حبس در ایران برخلاف کشورهای اروپایی که اکثر موارد به ماه هستند، بر اساس سال تنظیم شدهاند و مدتهای بسیار طولانی مانند ده، بیست، سی و حتی ابد را دارا میباشند. (لطفی، جوانمرد، ۱۳۹۹، ۱۸۲)

بدین ترتیب، این امر موجب شده که تعداد معدودی از محکومیتهای زندان با جایگزین های حبس قابل تطبیق و متناسب به نظر رسند. همچنین قانونگذار با تعیین یک سال به عنوان حداکثر مدت محکومیت جرایم عمدی به جای دو سال بیان شده در قانون جایگزین حبس نیز موجب مغایرت این قسمت از قانون با درجه بندی مجازاتها و خارج شدن جرایمی که مطابق با درجه بندی دارای مجازات حبس درجهی ۶ بوده، شده است. (اسدی، وهمکاران، ۱۳۹۶، ۱۸) بنابراین، الگوی جایگزینی به تعداد کمی از جرایم محدود بوده، گروه اندکی از مجرمان را شامل میگردد. به عبارت دیگر، الگوی یادشده هم به لحاظ جرایم تحت شمول و هم به لحاظ بزهکاران تحت پوشش، قلمرو محدودی دارد. این محدودیت به گونهای است که بسیاری از جرایمی که اغلب محکومیت های حبس را به خود اختصاص میدهند، از شمول این الگو خارجاند. همچنین، مجازاتهای جایگزین غالباً شامل بزهکاران جوان بوده که آنان نیز درصد کمی از محکومان به حبس را به خود اختصاص میدهند. (شمس ناتری، و همکاران؛ ۱۳۹۶

۴-۲-۳- نبودن معیاری برای تعیین میزان محرومیت از خدمات اجتماعی

برخلاف چهار مجازات جایگزین (جزای نقدی، جزای نقدی روزانه، دوره مراقبت و خدمات عمومی رایگان) که احکام آنها در قانون مشخص شده‌اند، در هیچ یک از مواد فصل هفتم، مقنن به تبیین محرومیتها نپرداخته است. هرچند در ماده ۲۹ ذیل کیفیهای تبعی، حقوق اجتماعی معرفی شده، لکن اینکه دادگاه به عنوان کیفر جایگزین برای چه مدت و چگونه، محکوم به حبس را از حقوق اجتماعی محروم میکند، در هیچ ماده ای مورد توجه مقنن، قرار نگرفته است. (پورمند، و دیگران، زمستان ۱۳۹۶، ۱۳۹)

همچنین برخی جایگزین ها از جمله محرومیت از حقوق اجتماعی که از یک طرف در قانون مجازات اسلامی به عنوان تشدید مجازات تحت مجازاتهای تکمیلی و تبعی به مجازات اصلی متهم افزوده می گردد و از طرفی دیگر به عنوان جایگزین حبس ارفاقی در ماده (۶۴) و (۸۷)^۴ بیان میگردد. چرا که در ماده ۶۴ بدون ذکر هیچ تعریفی از مجازاتهای جایگزین حبس صرفاً نام برده شده است. همچنین از مواد ۶۹ الی ۸۴ نیز به سایر شرایط کلی اعمال این دسته از مجازاتها را بیان میکند و پس از آن تک تک از مجازاتهای جایگزین نام برده و خصوصیات هر یک را بیان مینماید که از لحاظ فلسفه وجودی و همچنین نحوه اعمال این مجازات ها در کنار هم ابهامات عدیده ای را برای قضات به وجود می آورد.

در واقع، بموجب ماده ۶۷ و قسمت اخیر ماده ۶۸ به ترتیب در جرایم عمدی و غیرعمدی اعمال مجازاتهای جایگزین حبس توسط دادگاه اختیاری است. تخییری بودن اعمال مجازات جایگزین حبس از یک طرف مفید به نظر می رسد، که دادگاه باتوجه به آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه دیده و بطور کلی در راستای فردی کردن مجازات و اصلاح و درمان مجرم تشخیص می دهد که کدامیک از مجازاتهای حبس یا جایگزین آنها اعمال نماید و ایراد عمده مترتب بر این تخییری بودن اعمال جایگزین های حبس این موضوع است که دادگاهها هیچگونه تمایلی به اجرای مجازاتهای جایگزین حبس ناظر بر ماده ۶۴ به بعد قانون مجازات اسلامی نداشته و مجازات غالب رایج در محاکم مجازات سالب آزادی می باشد.

دادگاهها در مقام تخفیف، مجاز به تعیین مجازات کمتر از سه ماه حبس می باشند فی المثل اگر حداکثر مجازات قانونی جرمی یک سال حبس باشد طبق ماده ۶۷ قانون مجازات اسلامی اخیر التصویب در صورت عدم وجود شرایط موضوع ماده ۶۶ قانون مزبور، دادگاه می تواند متهم را به مجازات جایگزین محکوم نماید. اما چنانچه از این اختیار استفاده نکرد و تصمیم گرفت مقررات مربوط به تخفیف را اعمال کند. وفق بند الف ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی می تواند مجازات حبس را به میزان یک تا سه درجه تخفیف دهد و چون حداکثر مجازات قانونی (مثال اعلام شده) یکسال حبس است (درجه ششم موضوع ماده ۱۹ همان

۴. ماده ۸۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر میدارد: «دادگاه میتواند ضمن حکم به مجازات جایگزین حبس، با توجه به جرم ارتكابی و وضعیت محکوم، وی را به یک یا چند مورد از مجازاتهای تبعی و یا تکمیلی نیز محکوم نماید. در این صورت مدت مجازات مذکور نباید بیش از دو سال شود».

قانون) با فرض اینکه بخواهد دو درجه تخفیف دهد باید به مجازات درجه ۸ محکوم نماید و چون یکی از مجازاتهای درجه ۸ حبس تا سه ماه می باشد در این صورت تعیین حبس کمتر از سه ماه بلااشکال است.^۵

به نظر میرسد محرومیت از حقوق اجتماعی و خدمات عمومی یکی از انواع مجازات های جایگزین حبس است ولی به علت نحوه ی اعمال آن در قوانین جزائی است که تحت عناوینی همچون مجازات اصلی یا مستقل، تبعی و تکمیلی تبیین گردیده است و به همین دلیل در ماده ی ۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قانونگذار مقرر نموده محکومیت قطعی کیفری در جرائم عمدی، پس از اجراء حکم یا شمول مرور زمان، در مدت مقرر در این ماده محکوم را از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی محکوم می کند.

۳-۴- چالشهای قضایی

مواعی که اعمال مجازات جایگزین حبس را هنگام فرآیند دادرسی با مشکل مواجه می سازد، چالش های قضایی نامیده می شوند که به شرح ذیل به برخی از این چالش ها اشاره می گردد:

۳-۴-۱- وجود تفکر حبس گرایانه در مقامات قضایی

اعتماد و اعتقاد قضات به مجازات حبس نیز از جمله عللی است که میتواند افزایش جمعیت آمار زندانیان را در پی داشته باشد. همچنین، کثرت توسل به قرارهای بازداشت موقت و قرارهایی که منجر به حبس متهم میشود نیز از عوامل تراکم جمعیت کیفری زندانهاست. (گودرزی، ۱۳۸۲، ۱۰۵)

قضات سنتی موافق این نظر هستند که با اجرای مجازات سالب آزادی، مرتکب برای مدتی از جامعه طرد شده و خطر او برای جامعه از بین میرود و در این صورت نظم عمومی که به وسیله ارتکاب جرم او از بین رفته بود، برای اجتماع اعاده میشود. همچنین بر این باورند که محکومان به مجازات حبس، تحت روشهای اصلاحی خاص قرار میگیرند و در طول اقامت زندان به افرادی قانون پذیر و اجتماعی تبدیل می شوند و هدف اصلاح و باز اجتماعی کردن مرتکب محقق میگردد. (حاجی تبار فیروز جانی، ۱۳۸۶، ۱۱) به عبارتی اطمینان به بازدهی مجازات حبس همچنان در میان قضات پابرجاست اما به نتایج مجازات جایگزین حبس اطمینان چندانی ندارند؛ که این خود سبب میشود تا قضات به اعمال این گونه مجازات تمایلی نشان نداده و در نتیجه مجازات جایگزین کمتر به کار برده شود. (جعفری، ۱۳۹۹، ۷۱)

متأسفانه قضات ما از بسیاری از امکانات موجود که در جهت کاهش مجازات حبس و قوانین فعلی ما پیش بینی شده است، به صورت شایسته و بایسته استفاده نمی کنند. بایستی تفکر مردم و قضات به گونهای تغییر کند که هم مردم تنها مجازات معقول و مطلوب را حبس ندانند و هم قضات ما تصور نکنند که اگر بخواهند کسی را تنبیه کنند، تنها راه حبس است. (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۷، ۹۲ - ۹۵)

^۵. نظریه مشورتی شماره ۳/۳۱/۱۱۱۱ مورخ ۱۳۳۱/۱/۱۳ اداره کل حقوقی

در اجرا و اعمال مجازات های جایگزین اولین چالش، تشدید خشم در جامعه و اعتقاد به کیفر گرایی از سوی مردم به علل مختلف از جمله بی اعتمادی اجتماعی، فسادهای اقتصادی، نارضایتی و ... است! مردم انتظار دارند دستگاه قضایی در مقابل جرم و مجرم با قاطعیت و به سرعت پاسخ دهد. (خاکسار، غلامی، همان، ص ۱۵۰)

بنابراین مهمترین چالش قضایی، نبود باور در میان کارگزاران قضایی برای استفاده این مجازاتهای اجتماعی یا جایگزین حبس است. با وجود این که در قلمرو قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ این کیفرها مورد توجه قرار گرفته اند، اما به نظر میرسد به هنگام تصمیم گیری قضایی به بهره گیری از آنها چندان گرایش وجود ندارد. چه بسا، هنوز کارگزاران قضایی به کارگیری مجازات زندان را راه کاری مناسب برای کاهش شمار بزهکاری به شمار میآورند و از این رو به شکل کمینه از کیفرهای جامعه مدار برای پاسخ دادن به بزهکاری بهره میگیرند.

۳-۴-۲- فقدان آموزشهای جرم شناختی

یکی از منابع سیاست جنایی، یافته ها و دستاوردهای مطالعات و پژوهش های جرم شناسی و رشته های مرتبط مانند جامعه شناسی جنایی، جامعه شناسی کیفری، کیفرشناسی و بزه دیده شناسی^۱ است که پس از جذب در قوانین و مقررات، قاعدهمند و نهادمند میشوند و از جمله محتوای حقوق پیشگیری و حقوق بازپروری را تشکیل میدهند. نمود یافته های جرم شناختی نظری و کاربردی در ایران را میتوان ابتدا در اصول قانون اساسی و سپس در مواد قوانین آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ارتقای سلامت اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰، مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲، مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز مصوب ۱۳۸۹ و ... بررسی کرد. (پیکا، ۱۳۹۵، ۱۹).

آموزش جرم شناسی به نوبه خود از این دستاوردهای پژوهشی برای تبیین تحولات رویکرد نظری - کاربردی علوم جنایی تجربی از جمله جرم شناسی بهره می برد. مطالعات جرم شناختی، به عبارت دیگر، واقعیت اجتماعی و انسانی جرم را برای کسانی بیان میکند که قرار است به عوالم کنشگران درونی و بیرونی نظام عدالت کیفری (قانون گذار کیفری، ضابط، بازپرس، دادستان، قاضی دادگاه، مددکار اجتماعی، پزشک قانونی، وکیل، کارشناس پیشگیری، کارشناس تربیتی، کارشناس امنیت و ...) برای مقابله با مظاهر مختلف بزهکاری، سیاست گذاری و اقدام کنند. (پیکا، ۱۳۹۵، ۲۲)

آموزش جرم شناسی علیرغم اهمیت آن در کشور ما به نحو مطلوب صورت نمی گیرد و اندازه نامتناهی از آن با هدف آشناسازی قضات، وکلا، افسران پلیس، جامعه شناسان و روانشناسان آینده با مفاهیم و مضامین کلی جرم شناسی صورت می گیرد و از مواد درسی فرعی محسوب می شود و با وجود عمر طولانی آموزش جرم شناسی، این رشته همچنان از اعضای فقیر خانواده علوم انسانی باقی مانده است.

^۱. برای اطلاعات بیشتر در زمینه بزه دیده شناسی ر.ک : رایجیان اصلی، مهرداد؛ بزه دیده شناسی، چ دوم، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی، چ اول، ۱۳۹۸- کرامتی معز، هادی؛ بزه دیده شناسی کودکان در شبکه های مجازی، چ اول، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۹۹.

قاضی یا یک حقوقدان در برخورد با بزهکاری نباید تنها درصدد جستجوی مصداق قانونی آن باشد، بلکه او به مثابه یک طبیب قبل از هر اقدامی باید درد بیمار را تشخیص و سپس داروی مناسب و لازم را تجویز نماید وگرنه بیمار او نه تنها مداوا نمی شود بلکه امکان تشدید حالت و احیانا نابودی وی و حتی شیوع بیماری نیز وجود خواهد داشت، یک جرم شناس و با یک حقوقدان آشنا به این علم به راحتی ایمان خواهد داشت که بزهکاری معمول علل فردی و اجتماعی است و اینکه هیچ انسانی در بدو تولد منحرف و بزهکار نبوده و این جامعه با عوارض منطقی و جرم زای خود او را به سوی انحراف و کج روی سوق داده است؛ البته انسان موجودی دارای اراده است و مسوول اعمال خویش است ولی برای مؤثر بودن اجرای مجازات باید ابتدا زمینه های فساد و تباهی نابود شود و بعد از آن اگر افرادی در تعقیب هوای نفسانی و تفکر شیطانی به سوی انحراف روی آورند مجازاتی درخور اعمالشان آن هم با هدف اصلاح و بازسازی بر آنها بار نماییم. این چنین اقدام پسندیده‌های صرفا در اثر آموزشهای جرم شناختی برای قضات به وجود می‌آید، والا به لحاظ عدم برنامه ریزی صحیح دست اندرکاران عدالت کیفری و آشنایی کافی نداشتن مسوولین آموزش قوه قضائیه به ضرورت آموزشهای جرم شناختی و تراکم شدید طاقتهای فرسای کار قضایی قضات و فراهم نبودن امکان مطالعات جرم شناختی و تراکم موجب میشود تا آن گونه که شایسته است از آموزشهای جرم شناختی بی بهره بمانند و نتوانند از آن در کاهش جمعیت کیفری و رفع سایر معضلات بهره برند. (لطفی، جوانمرد، پیشین، ص ۱۸۸).

متغیرهای زیادی از جمله توجه به علت ها و عامل های جرم یا به عبارتی نگاه جرم شناختی به جرم و مجرم بر تصمیم مقامات مداخله کننده در کیفر به ویژه دادرسی دادگاه تأثیر گذارند. از طرف دیگر قواعد ماهوی حقوق جزا و مجازات مجرمین آن چنان به هم مرتبط هستند که نمی توان هیچ گامی در راستای بدون دیگری برداشت (میرخلیلی، یعقوبی، پیشین، ص ۱۰۱). بر همین اساس نیز آموزش های جرم شناختی حائز کمال اهمیت است.

ارائه آموزشهای جرم شناختی به قضات در کشور ما به نحو مطلوب صورت نمیگیرد و لازم است تا با آموزش جرم شناسی به قضات بیاموزند که در مورد مجرم پیش داوری عجولانه نکنند و به ریشه جرم توجه نمایند و با وسعت نظر و سعه صدر با پدیده بزهکاری برخورد نمایند؛ بازدید مستمر و مداوم از زندان ها، اثرات مطلوب و سازنده ای را در بهینه سازی وضع زندانها، شناسایی و رفع مشکلات زندانیان، شناخت مسائل و مشکلات اجتماعی و تقویت روحیه زندانی و آماده سازی وی جهت بازگشت سعادت‌مندانه به اجتماع و تشویق مسوولان و مراقبان زندانها را در پی دارد.

براین اساس، آموزش مقام های قضایی و آشنا ساختن آنان با واقعیت های برآمده از بهره مندی از مجازات های مذکور می تواند تا اندازه زیادی در افزایش میزان استفاده از این کیفرها نقش آفرین باشد. چه اینکه، بهره مندی مناسب از مجازات های جامعه مدار صرفا با قانون گذاری کیفری صورت نمیپذیرد، بلکه باید علاوه بر تدوین و تصویب قوانین لازم، گرایش و خواست قضایی برای به کارگیری این مجازات ها وجود داشته باشد (نیازپور، پیشین، ص ۲۹۵). از این رو، در کنار اتخاذ سیاست های کیفری تقنینی باید به سیاست گذاری های قضایی نیز توجه کرد تا از این رهگذر اجرای کیفرهای جامعه مدار به شکل مناسب و با پیش بینی

ابزارهای لازم صورت پذیرد. بنابراین، اجرای شایسته کیفرهای جامعه مدار و جایگزین حبس و استفاده اثربخش از آن در گرو پیش بینی و فراهم آوردن همه بایسته ها از جمله ایجاد فرصت تقنینی و زمینه های قضایی است.

۴-۴-چالش های اجرایی

موانعی که اعمال مجازات جایگزین حبس را هنگام فرآیند اجرایی با مشکل مواجه می سازد، چالش های اجرای این مجازات است که به شرح ذیل می باشد:

۴-۴-۱-فرهنگ حبسگرایی جامعه

گزارشهای واصله از بسیاری از کشورها طی دهه های گذشته نشان میدهد که مردم تنبیه گراتر شده کمتر از برنامه های اصلاحی حمایت میکنند و خواستار پاسخهای شدیدتر به جرم میباشند مطالبه مجازات در افزایش حبسهای بلند مدت منعکس شده است. (Miyazawa, 2008, P. 77)

در واقع، در بسیاری از نظامهای عدالت کیفری، طی دهه گذشته، کمینه و بیشینه مجازاتهای افزایش یافته و حداقل مجازات قابل اعمال، به ویژه برای جرایم خشونت آمیز جنسی، مشخص شده است؛ افزایش حداقل میزان مجازات آثار تدریجی بر جمعیت زندان باقی میگذارد به طوری که تأثیر آن مدتها پس از اجرا مشاهده خواهد شد.

بررسیها، ملاحظات و انعکاس انتظارات عموم و همچنین خواص جامعه به دستگاه قضایی مبین این نکته است که «با اکثر مجرمان صرف نظر از نوع جرم با اعمال مجازات حبس برخورد قانونی به عمل آید. حتی در برخی موارد ضابطان قوه قضاییه از عملکرد قضات اعلام نارضایتی مینمایند و به دستگاه قضایی انتقاد دارند که ما مجرمین را دستگیر میکنیم و آنان آزاد میکنند، آدم بد ما هستیم و آدم خوب آنان هستند»؛ (میرخلیلی، ۱۳۹۶، ۱۰۳). این طرز تلقی سبب شده است تا «در عمل سیاست سخت گیری نسبت به جرم موجب تغییر مجازاتها و تشدید آنها شود؛ اصول تناسب، ثبات و قطعیت مجازاتها در عمل نفی کننده ملایمت و آزادی زود هنگام و تساهل و تسامح در برابر بزهکاران بوده و نتیجه آن به شکل اجرای قطعی مجازاتها و افزایش جمعیت زندانی نمود یافته است که برخی آن را تشدید مجازات انگاشتند». (داودی گرمارودی، ۱۳۸۹، ۴۹).

« آنچه تا کنون در آرای دستگاه قضایی مشاهده میشود عدم توجه لازم به مجازاتهای جایگزین حبس است. این در حالی است که قانونگذار، این موضوع را به صراحت عنوان کرده است. علت این موضوع بی تردید ریشه در فرهنگ عمومی دارد به نحوی که مردم هنوز مجازات های جایگزین را به عنوان مجازات شناسایی نمی کنند. هر چند که مجازاتهای جایگزین، قالبهای مختلفی اعم از آزادی مشروط، خدمات عمومی رایگان و دارد اما افکار عمومی همچنان به دنبال مجازاتی سنگین تر هستند. قضات نیز با توجه به خواسته شاکی پرونده نمیخواهند رأی خود را همراه با مجازاتهای جایگزین کنند، قوه قضاییه باید افکار مردم را طوری هدایت کند که پذیرای این مهم باشد. اگر از مرحله پذیرش موضوع عبور کنیم بسیاری از مشکلات حل خواهد شد. در حقیقت ضرورت دارد که اجرای قانون همراه با فرهنگ سازی رخ دهد» (آقای، ۱۳۹۶، ۱۸)

به عنوان نمونه، از مظاهر کیفر گرایی و به تعبیری «کیفردوستی» برخی شهروندان را میتوان در مراسم مربوط به اجرای اعدام، قصاص و یا شلاق محکومان مشاهده کرد که نمونه های این حضور پرشور را در رسانه ها (به خصوص فضای مجازی) میتوان دید. همچنین بزرگنمایی پیامدهای زیان بار مصرف مواد مخدر در رسانه های گروهی و ارتباط اعتیاد با ارتکاب جرم، از نمونه های نفوذ اندیشه های عمومی کیفرمدار تلقی شده است (فرجیها، مقدسی، ۱۳۹۳، ۲۸).

با این اوصاف مجازات گرایی آحاد جامعه در تصمیم قضاات نیز مؤثر میافتد و قضاات جهت تسکین افکار عمومی و جلب رضایت آنان و همسو با افکار عمومی نسبت به تعیین مجازات نوعاً حبس اقدام میکنند و این امر یکی از عوامل افزایش جمعیت زندانها خواهد شد.

۴-۲- نبود بسترهای لازم در اجرای مجازات های جایگزین

هر چند، قانونگذار ایران مبتنی بر رویکردهایی هم چون کیفر زدایی، قضازدایی و جرم زدایی و متأثر از تحولات و رویکردهای بینالمللی پیرامون زندان و معایب آن، در سیاست کیفری تقنینی جدید نظیر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲؛ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و قانون اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۹۴؛ به صورت روشن و ویژه های برای کاهش جمعیت زندانیان و کاستن معایب زندان، گام برداشته است اما ناگفته پیداست که کارآمدی این تدابیر در ایران، قبل از هر چیز، نیازمند بسترسازی حقوقی و از همه مهمتر فرهنگ سازی قضایی و اجتماعی است.

بر این اساس با تحلیل وضعیت فعلی حقوق ایران و مدل سیاست جنایی و سیاست کیفری حاکم بر آن و نیز فقدان فضا و موقعیت مطلوب، جهت مشارکت جامعه مدنی و نهادهای مدنی در عرصه سیاست های حقوقی، واضح است که در این راستا مشکلات و موانع متعددی سد راه میباشد؛ مجازات های جامعه مدار در بستر جامعه اجرا میشود و مشارکت مردم و جامعه مدنی در مرحله اجرای این مجازات ها اهمیت دارد. این در حالی است که در مدل غالب سیاست جنایی حاکم بر ایران، تمامی قدرت در اختیار دولت است. (منصورآبادی و کونانی، ۱۳۸۹، ۲۵).

هر یک از این گونه های مجازات، دارای معایب و محاسنی است که موجبات روی آوری سیاستگذاران جنایی به نوع دیگر از مجازات ها را پدید آورده است؛ کیفر زندان که در دهه پنجاه و شصت میلادی با رویکردی آرمان گرایانه، به دنبال اصلاح و درمان مجرمان بوده؛ در دهه های اخیر با چالش های متعدد جرم شناختی، حقوق بشری، اقتصادی و غیره مواجه شده است چنان که جرم شناسان و حتی سیاستگذاران جنایی، تحقق هدف اصلاح و درمان بزه کاران از طریق کیفر زندان را به یک رؤیا تشبیه کرده اند. (خواجه نوری، ۱۳۹۶، ۱۷۲)

همین چالشها سبب شده تا اندیشمندان کیفری، در پی شناسایی راهکارهای مناسب کیفری برای موقعیت نظام عدالت کیفری در زمینه باز پروری مجرمان باشند؛ به همین منظور، نسل جدیدی از مجازات‌ها تحت عنوان کیفرهای جامعه مدار، وارد عرصه سیاست کیفری شدند؛ این دسته از مجازات‌ها با استفاده از ظرفیتها و قابلیت‌های اجتماعی، به دنبال تحمیل کیفر بر بزهکاران در بستر جامعه هستند (آشوری، ۱۳۹۸، ۱۸) تا از یک سو، از اعمال ضمانت اجراهای سالب آزادی (مثل زندان) بر مجرمان جلوگیری شود و از سوی دیگر، مجازات‌ها در بستر جامعه بر بزهکاران اعمال شود؛ به دیگر سخن، مجازات‌های جامعه مدار با استفاده از روش‌های مختلف، تلاش میکنند تا بدون جداسازی مجرمان از جامعه آنان را کیفر دهند.

یکی از دلایل عمده عدم موفقیت مجازات‌های جایگزین حبس در سیاست جنایی اجرایی؛ اعتقاد منفی قضات نسبت به بازدارندگی مجازات‌های جایگزین است و مجازات‌های جایگزین با ضعف جنبه تنبیهی مواجه شده‌اند و یکی از نقاط ضعف این مجازات‌ها فقدان بازدارندگی لازم میباشد. این در حالی است که هدف ارعابی با استقبال زیادی در میان قضات روبرو است و از منظر بسیاری از قضات مجازات جایگزین فاقد بازدارندگی لازم بوده و منافع جامعه و حفاظت از آن را تأمین نمیکند. (زینالی، ۱۳۸۷، ۴۷).

۵- نتیجه گیری:

سیاست جنایی ایران نیز با اندکی تأخیر، با وضع قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و به پیروی از اختصاص فصل‌های پنجم تا نهم این مجموعه به مجازات‌های جایگزین حبس سیاست‌های کلی نظام و الهام از آموزه‌های جدید، درصدد اصلاح و درمان مجرمین و بازاجتماعی کردن آنها و پرهیز از اندیشه و تدابیر سزادهی و سرکوبگری صرف برآمده است.

جایگزین‌های کیفر سالب آزادی بدیل‌هایی هستند که یا در دادنامه کیفری یا پس از صدور حکم (در زمان اجرای مجازات) مطرح میشوند.

با این اوصاف بدیل‌هایی مورد بحث است که قاضی در زمان صدور حکم، حق انتخاب بین اعزام محکوم به زندان و حق انتخاب نسبت به باقی گذاردن زندانی در زندان و خارج کردن او از حبس را دارد. این دست از مجازات‌ها به عنوان پاسخی نو و برآمده از آموزه‌های جدید حقوق کیفری و جرم‌شناسی، با هدف کاهش زیان‌های حاصل از زندان به لیست انواع مجازات‌ها افزوده شده و قانونگذار امید دارد با اجرای این دست از مجازات‌ها، دامنه تخریب بسیاری از آسیب‌های اجتماعی را کاهش دهد.

هدف پایدار سیاست جنایی، تضمین انسجام و ادامه حیات هیئت اجتماع (دولت و جامعه مدنی) با پاسخ به نیاز اشخاص و اموال به امنیت است.

از مهمترین موانع و چالش‌های که اعمال مجازات جایگزین حبس را با مشکل مواجه می‌سازد وجود تفکر حبس گرایانه در مقامات قضائی است. اعتقاد و اعتماد قضات به مجازات حبس از جمله عللی است که می‌تواند افزایش جمعیت کیفری را در پی داشته باشد.

قضات سنتی موافق این نظر هستند که با اجرای مجازات سالب آزادی، مرتکب برای مدتی از جامعه طرد شده و خطر او برای جامعه از بین می رود و در این صورت نظم عمومی که به وسیله ارتکاب جرم او از این بین رفته بود برای اجتماعی اعاده می شود. استفاده از مجازات های جایگزین برای قضات بسیار سخت است. نبود باور در میان کارگزاران قضائی بر استفاده از جایگزین حبس شاید مهمترین چالش قضائی باشد.

آمار گرائی و کسرت پرونده در دستگاه قضائی نیز از جمله موانع قضائی می باشد زیرا اعمال مجازات های جایگزین حبس به استثناء جزای نقدی در مواردی ممکن است به دلیل مشکلات اجرایی باعث اعاده پرونده از اجرای احکام به دادگاه گردد که خوشایند قضات نمی باشد. به خاطر ترس از اعاده پرونده سعی می نمایند یا از جایگزین حبس استفاده ننموده و یا بر فرض استفاده مجازات جزای نقدی به عنوان جایگزین حبس مورد حکم قرار گیرد که مشکلات اجرای آن نسبت به سایر جایگزین ها کمتر می باشد.

از مهمترین موانع و چالش های اجرایی، فرهنگ حبس گرائی جامعه است و مردم بیشتر تنبیه گرا بوده و صرفاً مجازات حبس را به عنوان تنبیه قبول داشته و به دنبال برنامه های اصلاحی نیستند و شاکای از احکامی که توسط دادگاه صادر و مجازات جایگزین حبس صادر شود ناراضی هستند نبود بسترهای لازم در اجرای مجازات های جایگزین نیز از دیگر موانع می باشد و نهادهای پذیرنده خدمات عمومی رایگان علاقه چندانی به پذیرش مجرمین ندارند.

۶-پیشنهادات:

مهمترین راهکارهای در بحث موانع تقنینی این است که ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹ که در بند «ب» آن اختیار تبدیل مجازات حبس درجه ۵ و درجه ۶ به جزای نقدی داده شده، سایر مجازات های جایگزین حبس نیز مشمول آن قرار گیرد. علاوه بر آن محدودیت مندرج در ماده ۷۲ قانون مجازات اسلامی در بحث تعداد جرائم عمدی حذف و یا حداقل آن که یکسال می باشد افزایش یابد. همچنین با توجه به تفاوت ریالی جزای نقدی مندرج در موارد ۱۹ و ۸۶ قانون اخیر الذکر و انجام ضمانت در اجرای جزای نقدی بند ب ماده ۳۷ همان قانون در این رابطه رفع ابهام نموده تا از صدور آراء قضائی مختلف جلوگیری گردد.

همچنین در رابطه با مجازات جایگزین محرومیت از حقوق اجتماعی لازم است تعیین تکلیف نماید که قضات چگونه و به چه مدت می توانند محکوم به حبس را از حقوق اجتماعی محروم نمایند.

مهمترین راهکارها در بحث موانع قضائی، همانگونه که بیان شد دیدگاه قالب قضائی مبنی بر خدشه بر ویژگی بازدارندگی مجازات جایگزین به عنوان یکی از اهداف اصلی مجازات ها است و به خاطر نگرانی از به خطر افتادن نظم عمومی و امنیت جامعه کمتر از مجازات های جایگزین استفاده می شود که می توان با برگزاری دوره ها یا کارگاههای آموزشی مستمر با هدف آشنایی و ترویج بهره مندی از این نهاد قضات را به سمت استفاده از آن ترغیب نمود. تبیین و آموزش مجازات های جایگزین استفاده می شود که می توان با برگزاری دوره ها یا کارگاههای آموزشی مستمر با هدف آشنایی و ترویج بهره مندی از این نهاد قضات را به سمت استفاده از آن ترغیب نمود. تبیین و آموزش مجازات های جایگزین حبس نوبن برای قضات ضروری می باشد که دیدگاه های قضائی به سمت مجازات های جایگزین از جمله دور مراقبت، خدمات عمومی رایگان و محرومیت از حقوق اجتماعی بیشتر جلب شود. به روز بودن اطلاعات در چارچوب آسیب های اجتماعی و یادگیری عدالت ترمیمی، پیشگیری و درمان مجرم برای قضات لازم است. فاصله گرفتن از آمارگرایی می تواند باعث استفاده بیشتر قضات از جایگزین های حبس گردد زیرا اگر بحث آمار در دستگاه قضائی اولویت اول نباشد قضات بدون دغدغه ارسال مجدد پرونده از اجرای احکام به لحاظ مشکلات اجرای مجازات جایگزین و نسبت به صدور مجازات های جایگزین حبس اقدام خواهند نمود.

تشویق قضاتی که از مجازات های جایگزین حبس استفاده می نمایند نیز می تواند موثر باشد.

مهمترین راهکارها در بحث موانع اجرائی این است که مردم و مخصوصا شاکی از صدور احکام جایگزین حبس راضی نیستند و به دنبال مجازات حبس برای مجرم می باشند و فرهنگ حبس گرایی وجود دارد که لازم است در این رابطه از طریق برنامه های تلویزیونی و رادیویی، شبکه های مجازی و رسانه های در اختیار عموم فرهنگ سازی نمود و اختلاف اجرای مجازات حبس با مجازات جایگزین در اختیار عموم قرار گیرد و بستر سازی فرهنگی و اجتماعی برای اجرای این مجازات ها نادیده گرفته نشود. علاوه بر آن برای افرادی که مجازات جایگزین در نظر گرفته می شود و با بررسی شخصیت مجرم و نوع جرم ارتكابی احکام متناسبی صادر شود تا جامعه به دستگاه قضا اطمینان نماید.

با توجه به سابقه ذهنی متولیان نهادهای پذیرنده، در رابطه با اشخاص که مرتکب جرمی شده اند و خیلی تمایلی جهت استفاده از یک اشخاص ندارند می توان با تکرار و تنوع در احکام کیفری زمینه استفاده از ظرفیت نهادهای پذیرنده، را فراهم نمود.

منابع

- آشوری، محمد؛ (۱۳۹۸) جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، ویراست جدید، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
- آقایی، کامران، (۱۳۹۶) فرهنگ سازی در احقاق مجازاتهای جایگزین حبس، روزنامه قانون، شماره ۱۰۱۱.
- احمدزاده، رسول و تام، مجتبی؛ (۱۳۹۹) ملاحظاتی درباره قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، چاپ اول.
- ابراهیمی، شهرام و رحیمیان، رضا؛ (۱۳۹۷) توجیه حبس بدون تعلیق، آموزشهای حقوق کیفری، شماره ۱۶، پاییز و زمستان.
- پیکا، ژرژ؛ (۱۳۹۵) جرم شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران: میزان چاپ چهارم.
- حاجی تبار فیروزجانی، حسن (۱۳۹۳) مجازاتهای جایگزین حبس در حقوق کیفری ایران، چ ۱، نشر فردوسی.
- خواجه نوری، یاسمن، (۱۳۹۶) جهانی شدن حقوق کیفری اطفال بزهکار، تهران: انتشارات میزان، چاپ اول.
- رایجیان اصلی، مهرداد؛ (۱۳۹۸) بزه‌دیده‌شناسی، چ دوم، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، ج اول.
- رضوانی، سودابه؛ (۱۳۹۱) مدیریت انسان مدار ریسک جرم، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول.
- فرجیها، محمد و محمدباقر مقدسی (۱۳۹۳) جلوه‌های عوام گرایی در سیاست های کیفری مواد مخدر، مجله تحقیقات حقوقی، دوره ۱۷، شماره ۴، زمستان.
- کرامتی معز، هادی؛ (۱۳۹۹) بزه دیده شناسی کودکان در شبکه‌های مجازی، چ اول، تهران: نشر دادگستر.

مقالات:

- پورمند، حسین و دیگران؛ (۱۳۹۶) واکاوی تدابیر قانونی ناظر به تقلیل حبس در نظام کیفری ایران، فصلنامه علوم اجتماعی، ویژه نامه پیشگیری از جرم و حقوق، دوره ۱۱، زمستان.
- پارسا، محمد متین؛ مؤذن زادگان، حسنعلی. (۱۴۰۱). چالش‌های سیاست جنایی قضایی در کاربست مجازات خدمات عمومی رایگان، مجله حقوقی، دوره ۸۶، شماره ۱۱۸، صفحه ۳۱۲-۲۷۹.
- خاکسار، داود و غلامی، حسین (۱۳۹۷) سیاست جنایی قضایی ایران در رابطه با مجازاتهای جایگزین حبس، مجله پژوهشهای حقوق جزا و جرم شناسی، شماره ۱۱.

داچک، هادی (۱۳۹۹) مجازات‌های جایگزین حبس و تأثیر آن بر کاهش جمعیت کیفری زندان، مجله بین‌المللی پژوهش ملل، دوره پنجم، شماره ۵۴.

داودی گرمارودی، هما؛ (۱۳۸۶) اندیشه‌های مجازات و عوامل موثر بر حجم جمعیت کیفری، مجموعه مقالات راه‌کارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، به کوشش مائده میرشمش شهشانی، تهران: انتشارات میزان، چاپ اول.

زینالی، امیر حمزه، (۱۳۸۷) سرمایه اجتماعی: بستری برای اعمال کیفرهای اجتماع محور در ایران، مجله حقوقی دادگستری، سال هفتاد و دو، شماره شصت و چهار، پائیز.

شمس ناتری، محمدابراهیم و همکاران؛ (۱۳۹۸) ارزیابی مجازات‌های اجتماعی مندرج در لایحه مجازات‌های اسلامی در پرتو الگوی جایگزین، فصلنامه حقوق اسلامی، شماره ۳۳.

گودرزی، محمدرضا؛ (۱۳۸۲) نارسایی‌های زندان، مجله الهیات و حقوق، شماره ۹ و ۱۰، پاییز و زمستان .

لطفی، سمیه و جوانمرد، بهروز (۱۳۹۹) چالش‌های فراروی جایگزین‌های حبس در کاهش جمعیت کیفری، مجموعه مقالات برگزیده همایش ملی مدیریت جمعیت کیفری؛ نظریه و رویه، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول.

منصورآبادی، عباس و کونانی، سلمان (۱۳۸۹) بستر مجازات‌های جامعه مدار با تأکید بر رویکرد سیاست جنایی ایران، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره پنجم.

میرخلیلی، سید محمود و یعقوبی، تقی؛ (۱۳۹۶) بررسی عوامل قضایی افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها، فصلنامه راهبرد، شماره ۸۲.

میرمحمدصادقی، حسین؛ (۱۳۸۷) اصلاح افکار عمومی و دیدگاه قضات برای کاهش مجازات، فصلنامه گواه، شماره ۱۲، بهار .

می ری دلماس مارتی. (۱۳۸۱). نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه دکتر علیحسین نجفی ابرندآبادی تهران: نشر میزان، چاپ اول

میرخلیلی، سید محمود و یعقوبی، تقی؛ (۱۳۹۶) بررسی عوامل قضایی افزایش جمعیت کیفری زندانها، فصلنامه راهبرد، شماره ۸۲، بهار.

نیازپور، امیرحسن؛ (۱۳۹۹) کیفرهای جامعه مدار در سنجه آموزش‌های سیاست جنایی آزادی مدار، مجموعه مقالات برگزیده همایش ملی مدیریت جمعیت کیفری؛ نظریه و رویه، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول.

یکرنگی، محمد و ایرانمش، مهدی؛ (۱۳۸۷) کیفرهای اجتماع محور: از نظریه تا عمل، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۴.

Miyazawa, S.: The politics of increasing punitiveness and the rising popu in Japanese criminal justice policy. *Punishment & Society*, ۲۰۰۸, P۷۷.